

ظرفیت هاست.

**سوال سوم:** آیا اتحادیه اروپا یک سند استراتژیک واحد در تعامل با ایران دارد و کشورهای اروپایی از یک استراتژی واحد در قبال ایران پیروی می‌کنند؟

تا جایی که من می‌دانم سند مدون و نوشته شده‌ای نیست اما هم به صورت نظری و هم عملی می‌توان دریافت که اتحادیه اروپا یک راهبرد واحد در سطح استراتژیک در قبال ایران دارد. به خصوص که یک مکانیزمی در اتحادیه است که تصمیم‌گیری به صورت اجماع باشد اما اگر اکثریت هم بود اقلیت همراهی نکند و خلاف تصمیم جمعی حرکت نکنند. شواهد نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا علی‌رغم مخالفت برخی کشورها، سیاست واحدی را در قبال ایران در پیش گرفته است. البته در بحث هسته‌ای و تحریم‌ها اینها تحت فشار آمریکا مجبورند پیروی کنند و رفت و آمدهای فعلی به ایران به این خاطر است که فکر می‌کنند روند کار به سمت عادی شدن پیش می‌رود و در آن زمان هر کشوری به فکر منافع خود است ضمن اینکه اگر اتحادیه اروپا محدودیتی برای تعامل با ایران ایجاد نکند، طبیعی است که اینها منافع خودشان را ترجیح می‌دهند. از طرف دیگر آمریکایی‌ها هم می‌خواهند این احساس عادی شدن موضوع ایجاد نشود و گسترش برخی تحریم‌ها هم به دلیل ترس از شکسته شدن سد تحریم هاست.

سابقه رابطه ایران و اروپا نشان می‌دهد که پیوستگی بین سیاست‌های اقتصادی و سیاسی اروپا وجود دارد و تفکیک سیاست از اقتصاد حداقل در مورد ایران به سختی صورت می‌گیرد و جمع‌بندی این است که با همه این توضیحات در درون اتحادیه اروپا رقابت‌های داخلی و تضاد منافع وجود دارد که می‌توان هوشمندانه از آنها استفاده کرد و تعدد بازیگران این فرصت را ایجاد می‌کند هرچند باید قبول کرد که کار ساده‌ای نیست.

**سوال چهارم:** همگرایی کشورهای اتحادیه اروپا در مواجهه با پرونده هسته‌ای ایران نمونه نادر از یک

**همگرایی بین کشورهای اروپایی در سیاست امنیتی و خارجی است. در این اتفاق دیپلماسی ضعیف ایران چه نقشی را داشته است؟**

می‌شود گفت که بی‌تأثیر بودیم اما علاوه بر اینها با توجه به ماهیت جمهوری اسلامی و نوع نگاهی که مجموعه کشورهای اروپایی به ایران دارند هم حالت خاصی ایجاد کرده که کشورهای اروپایی در اینجا در مقایسه با سایر کشورها انسجام بیشتری داشته باشند. یکی از مهم‌ترین دلایل این است که اتحادیه اروپا خود را قدرت هنجاری می‌داند و روی ارزشهای لیبرال دموکراسی و آزادی و حقوق بشر کار می‌کند. پس اینجا یک تعارض ارزشی بین ایران و اروپا وجود دارد و چون چنین مفاهیمی در سطح راهبردی بوده و در مقابل هم ما به صورت دیگری این ارزشها را تعریف می‌کنیم، اهمیت زیادی پیدا می‌کند و با یک تعارض منافع اقتصادی صرف تفاوت دارد. باید ببینیم رفتارهای ما چقدر کمک کرده که این تعارض موجود که همیشه هم بوده، پررنگ‌تر شود.

اروپاییها به همان نسبتی که احساس کنند ارزشهای دموکراتیک در ایران پررنگ‌تر است در رفتارشان تأثیرگذار است و اگر رفتار و گفتار شما تعارضات را بیشتر کند، انسجام در طرف مقابل هم بیشتر خواهد شد.

الان یکی از دلایلی که در این دولت گشایشی ایجاد شده به خاطر همان حسی است که در گذشته در زمان خاچی بود و اما در ۸ سال قبل از سوی غرب احساس نمی‌شد. اینها در دیپلماسی مهم است، تضادها و تعارضات ما فراتر از دولت هاست اما نوع گفتار و طرح و تبیین آن متفاوت است و نباید به گونه‌ای در دنیا رفتار کنیم که اجماع بین‌المللی علیه ما ایجاد شود. یعنی ما روی مواردی انگشت بگذاریم که در دشمنان ما اجماع ساز است و باید کاری کنیم که شکاف را بیشتر نماییم، این هنر دیپلماسی است شاید بعضی وقتها ما فکر کنیم همین که سیاست خارجی را تهاجمی کنیم درست است اما سیاست تهاجمی باید بتواند منافع ملی ما را تامین کند چون دیپلماسی جای

عقلانیت است. نمی‌گویم همه اش ضعف دیپلماسی ما بوده اما الان مهم‌ترین کار ما این است که اجماع را بشکنیم و خود این مسئله که احساس کنند تغییری ایجاد شده تأثیر گذار است. برای همین اسرائیل زمانی تلاش کرد که نشان دهد تغییری در ایران ایجاد نشده، چون اگر ایران هراسی متزلزل می‌شد بسیاری از توطئه‌های آنها نیز نقش بر آب می‌شد. البته نباید فشار آمریکا و اسرائیل برای اجماع سازی علیه ایران در اروپا را فراموش کرد. مثلاً در مورد مسئله فلسطین رهبری فرمودند راه حل ما دموکراتیک و براساس رای فلسطینیان است که نتیجه اش مان بازگشت فلسطین به فلسطینیان است اما به زبان دموکراتیک، که هیچ کس هم متعرض نمی‌شود و فرق دارد با اینکه بگویم اسرائیل باید از بین برود. اسرائیل از بسیاری از بهانه‌هایی که ما داریم برای اجماع سازی علیه ما استفاده کرد و موضع مظلوم نمایی در اروپا به دست آورد.

نکته دیگر در این زمینه این است که در سالهای گذشته تغییر گفتمانی و رویکردی در سیاست خارجی ایجاد شد و نگاه ما به سمت شرق و آمریکای لاتین و آفریقا رفت و اولویت اروپا تنزل پیدا کرد. البته بحث‌های هسته‌ای هم طبیعتاً تأثیرگذار بود و اولویت اروپا را دست‌چندم کرد که این هم می‌تواند یکی از عوامل کمک کننده به همگرایی اروپایی‌ها در مقابل ایران به شمار برود. یک توصیه این است که باید سیاست خارجی متوازن داشته باشیم و به تناسب اولویت‌ها عمل کرده و از هیچ منطقه‌ای غفلت نکنیم تا از آنها برای کمک به اولویت اول خود استفاده نماییم.

**سوال پنجم:** ظرفیت‌های دیپلماسی ایران در تعامل با اروپا چیست؟

همه ظرفیت‌ها و قابلیت‌های روابط ایران و اروپا به بحث‌های هسته‌ای محدود نیست و اگر این مانع برداشته شود حوزه‌های وسیعی گشوده خواهد شد. ضمناً حوزه‌های همکاری هم بین ایران و اروپا وجود دارد که به عنوان حوزه‌های مشترک از آنها یاد می‌شود و مهمترین آن امنیت و دیپلماسی انرژی است.